

عنوان مقاله:

بررسی قصه سلمان و ابراهیم در روایت منظوم جامی

محل انتشار:

پژوهشنامه اورمزد، دوره 9، شماره 33 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

علی میرزایی - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

سهراب سعیدی - دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران جنوب

خلاصه مقاله:

حکایت سلمان و ابراهیم داستانی رمزآلود است که ریشه ای یونانی دارد در چهارده روایت سروده و تحریر شده است. اندیشمندی، همچون: ابن سینا، فخر رازی، خواجه نصیر طوسی، جامی و... به آن پرداخته و هریک به تحلیل برخی از رمزهای آن اشاره داشته اند. ما در این مقاله قصه را در روایت جامی مورد بررسی قرار میدهیم در روایت جامی قصه این گونه آغاز میشود: سلمان فرزند اومانوس پادشاه روم بود که بر کشورهای یونان و مصر فرمانروایی داشته، زنی هیجده ساله و زیبا بنام ابراهیم او را بعهده گرفت تا اینکه سلمان به سن بلوغ رسید و نخست دایه اش بر او عاشق شد و با نقشه و سیاست سلمان را نیز عاشق خود کرد؛ چون پادشاه (پدر سلمان) با ازدواج آنان مخالف است و عشق آن دو به هم قوی، بنا را بر فرار میگذارند و به غربت می افتند و سختی ها می بینند، پدرش که جامی گیتی نما داشته اوضاع را می بیند و مقداری غذا و لوازم اولیه را به آنها می فرستد، اما چندی بعد خشمگین می شود، کمک های خود را قطع می کند تا سلمان جهت پوزش به نزدش برود؛ نصیحت های پدر سلمان بر او موثر نمیافتد به عشقش پایبند می ماند و به آتش میزنند ابراهیم می میرد و سلمان به کمک نیروی ماورای حکیم پدرش زنده می ماند حکیم یونانی فیلقوس به مداوای او می پردازد و به دوستی سیاره زهره او را علاج میکند تا عشق ابراهیم از یاد ببرد. و در نهایت سلمان آمادگی به تخت نشستن را پیدا میکند؛ این مقاله ضمن بازشناسی منشا داستان، به تحلیل منظومه از منظر زیباشناسی ادبی و محتوا و همین طور به رمز گشایی این قصه میپردازد

کلمات کلیدی:

سلمان و ابراهیم، منظومه جامی، زیباشناسی ادبی، نماد و رمز

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/753447>

